

درس دوم بخش دستور زبان

زمان حال کامل **Present Perfect**:

زمان حال کامل معادل زمان ماضی نقلی (رفته است و ...) در زبان فارسی است. زبان آموزان فارسی زبان با این زمان کمی مشکل دارند چون عموماً در زبان مادری خود بجای ماضی نقلی در گفتار از زمان گذشته ساده استفاده می کنند. مثلاً ناهار خوردم بجای ناهار خورده ام.

شکل **Form** :

have/has + past participle (p.p)

۱. اول اینکه برای فاعل سوم شخص مفرد (He, John,..) بجای **have** از **has** استفاده می کنیم.

۲. شکل سوم فعل **p.p** چیز عجیبی نیست برای افعال باقاعده **regular verbs** کافیسست به فعل **-ed** اضافه کنیم.

مثلاً: **play – played**

۳. افعال بی قاعده **irregular verbs** باید حفظ شوند. مثلاً یادتان می آید که گذشته **go** می شد **went** حالا باید شکل سوم فعل را حفظ کنید که می شود **gone**!

در انتهای بخش دستور زبان فهرست فعل های بی قاعده آمده است.

حالت مخفف و منفی و سوالی جملات حال کامل به شکل زیر است:

+	We have watched the movie.	We've watched the movie.
	She has been sick.	She's been sick.
-	We haven't watched the movie.	
	She hasn't been sick.	
?	Have we watched the movie? Yes, we have. / No, we haven't.	
	Has she been sick?	

خب اکنون شما با شکل **form** زمان حال کامل **present perfect** آشنا شدید، نوبت آن است که با کاربردهای این زمان نیز آشنا شوید.

کاربردهای زمان حال کامل **The uses of present perfect tense**

۱. برای بیان انجام کاری که در گذشته در زمانی نامعلوم انجام شده است.

دقت کنید که تمرکز زمان حال کامل بر روی فعل **action** است و زمان (تاکید می‌کنم زمان نه بازه زمانی) انجام کار یا ناشناخته است یا اهمیتی ندارد.

I have watched Joker.

فیلم جوکر را دیده‌ام. (کی دیدی؟ مهم نیست فقط بدان که در گذشته بوده. — چه چیزی مهم است؟ اینکه دیده‌ام)
با قیدهایی مانند: **lately, recently, already, before** می‌توان به زمان‌های نامعلوم در گذشته اشاره کرد.

They have done the research recently.

She has already left.

-دربارگی کتاب‌ها گفته می‌شود اثر کار هنوز باقی مانده است. بلکه اینکه من فیلم را دیده‌ام اثرش هنوز باقی است یعنی می‌دانم فیلم درباره چیست و ... اما این نکته بنظر من به ما در درک زمان حال کامل کمک زیادی نمی‌کند.

۲. برای بیان کاری که در یک بازه زمانی در گذشته انجام شده است و نیز می‌تواند تا اکنون ادامه داشته باشد.

I have known her since I was a child

با استفاده از **since**

We haven't seen each other since 2018.

نکته: اگر بعد از **since** جمله بیاید، آن جمله زمان گذشته ساده می‌گیرد. **since** یعنی از تا الان.

با استفاده از **for**

I have lived in Norway for ten years

۳. برای صحبت درباره یک بازه زمانی از مدتی قبل شروع شده و هنوز ادامه دارد از حال کامل استفاده می‌کنیم.

They haven't eaten anything today.

۴. برای صحبت درباره تجربه‌های فرد در طول عمر.

Have you ever been abroad?

Yes, I have been to Belgium and Denmark.

No, I have never been abroad.

۵. استفاده از **just** برای بیان کاری که تازه (همین الان) انجام شده است.

They have just arrived.

۶. استفاده از **yet** به معنای هنوز عموماً برای جملات منفی.

I haven't watched the horror movie yet.

۷. برای صحبت درباره کاری که چند بار در گذشته انجام شده است. (طبیعتاً زمان انجام تک تک آنها نامشخص است)

I have been to Mashhad three times.

- در جدول پایین فهرست افعال بی قاعده را می بینید.

فهرست فعل‌های بی‌قاعده		
Base form	Past tense	Past participle
say	said	said
make	made	made
go	went	gone
take	took	taken
come	came	come
see	saw	seen
know	knew	known
get	got	got/gotten
give	gave	given
find	found	found
think	thought	thought
tell	told	told
become	became	become
show	showed	shown
leave	left	left
feel	felt	felt
put	put	put
bring	brought	brought
begin	began	begun
keep	kept	kept

hold	held	held
write	wrote	written
stand	stood	stood
hear	heard	heard
let	let	let
mean	meant	meant
set	set	set
meet	met	met
run	ran	run
pay	paid	paid
sit	sat	sat
speak	spoke	spoken
read	read	read
fall	fell	fallen
send	sent	sent
build	built	built
drive	drove	driven
buy	bought	bought
choose	chose	chosen

افعال چندکلمه‌ای Phrasal Verbs

افعال چندکلمه‌ای از ترکیب یک فعل اصلی با یک قید یا حرف اضافه تشکیل می‌شوند و اغلب معنای اصطلاحی دارند. یعنی اگر حتی معنای تک تک هر دو واژه را بدانیم شاید نتوانیم معنای اصلی فعل را متوجه شویم. بهترین کار حفظ کردن آن‌هاست.

افعال چندکلمه‌ای	
ask for	تقاضا کردن
keep on	ادامه دادن
call back	آدر پاسخ به تماس / تماس گرفتن، زنگ زدن
make up	ساختن، تشکیل دادن
check in	به پذیرش مراجعه کردن، اتاق گرفتن، تحویل دادن چمدان
put aside	کنار گذاشتن
check out	تسویه حساب کردن، اتاق را خالی کردن
put out	خاموش کردن
get away	(چیزی را) از (کسی) گرفتن
take away from	دور شدن، رفتن
get up	پاشدن، بیدار شدن
take care (of)	مواظبت کردن از
give up	ترک کردن، رها کردن
take out (from ATM)	از دستگاه خودپرداز پول گرفتن
go away	دور شدن، رفتن
take off	لباس / کندن، درآوردن؛ بلند شدن هواپیما از باند
grow up	بزرگ شدن
take away	بردن
die out	منقرض شدن، از بین رفتن
turn off	خاموش کردن
hang out	بیرون رفتن، وقت گذراندن با دوستان
turn on	روشن کردن
hurry up	عجله کردن
turn up	زیاد کردن صدا
look after	مراقبت کردن از
turn down	کم کردن صدا
look back	به عقب نگاه کردن، به گذشته نگاه کردن
turn round	چرخ زدن، دور زدن
look like	شبیه بودن به
wake up	بیدار کردن / شدن
look for	جست و جو کردن
watch out	مواظب بودن
keep off	وارد نشدن

برای مطالعه بیشتر می‌توانید مبحث افعال چندکلمه‌ای جداشتنی و جدانشدنی را بخوانید.

نگارش writing

اسم مصدر یکی از مهمترین گرامرهای است که در هر زبانی باید یاد بگیرید. در زبان انگلیسی اسم مصدر چند شکل دارد که در اینجا قرار است فقط اسم مصدر **Gerund** را یاد بگیریم. اول از همه باید بدانیم که اسم مصدر، اسمی است که از فعل ساخته شده است پس طبیعتاً در جایگاه اسم قرار می گیرد (مانند: فاعل، فعل، مضاف الیه و ...) در زبان فارسی ساختن اسم مصدر فقط به یک شکل انجام میشود و آن به صورت بن ماضی + ن است. اما در زبان انگلیسی به شکل های مختلف ساخته میشود.

اسم مصدر **Gerund** :

برای ساختن اسم مصدر **Gerund** کافیه از به فعل **-ing** اضافه کنیم.

شنا کردن: **swimming**

بعد از آموختن شکل **Form** این اسم مصدر، حالا به بررسی کاربردهای اسم مصدر **Gerund** می پردازیم.

۱. به عنوان فاعل: هرجایی از اسم مصدر به عنوان فاعل خواهیم استفاده کنیم، بهترین گزینه **Gerund** است.

Playing tennis is my favorite hobby.

۲. بعنوان مفعول: بعد از مجموعه ای از افعال خاص در صورتی که نیاز به استفاده از اسم مصدر داشته باشیم حتماً باید از **Gerund** استفاده کنیم.

Avoid	اجتناب کردن، پرهیز کردن	Love	دوست داشتن
Enjoy	لذت بردن	Practice	تمرین کردن
Dislike/ hate	متنفر بودن	Miss	از دست دادن، دلتنگ شدن
keep	ادامه دادن	Stop	ترک کردن، متوقف شدن، دست برداشتن
consider	در نظر گرفتن	Risk	خطر کردن، به خطر انداختن
Mind	اهمیت دادن / ناراحت شدن	Finish	تمام کردن
Quit/ give up	ترک کردن، رها کردن	Imagine	تصور کردن

Stop being couch potato.

I miss working in my grandfather's garden in summer.

۳. بعد از حروف اضافه: بعد از حروف اضافه که در پایین آمده اند باید اسم مصدر به شکل **Gerund** بیاید.

On, at, in, up, of, from, about, by, with, without, before, after, against, despite, besides, in addition to, as well as, instead of, ...

I am interested in swimming.

۴. بعد از go برای فعالیت های تفریحی:

Go fishing/shopping/swimming/jogging/running/boating/camping/skiing/sailing/skating/bowling

۵. تابلوهایی که منع انجام کاری را نشان می دهند (تابلوهای هشداردهنده)

No smoking/hunting/swimming

۶. در نقش مسند:

My favorite sport is **swimming**.

Zoo keepers' main responsibility is **feeding** the animals.

نکته: حواستان باشد با دقت به معنی جمله نقش مسند را با حال استمراری اشتباه نگیرید:

Zoo keepers **are feeding** the animals.

آزمونک Quiz

Fill in the blanks.

Have you used search engines?

I read the recipe yet.

We have worked as a math teacher 4 years.

She hasn't called me since she (come) here.